

اوستا

در قبرستان

خاموش تاریخ

از کتاب اوستا چه میدانید؟ آیا اثری از آن باقی است؟

در تاریخ «طبری» و «مسعودی» و دیگر از مورخان اسلامی «بستاه» (۹)، «ابستاق» و «افستاق» ضبط شده است. (۱۰)
در معنی این کلمه نیز دانشمندان توافق کلی ندارند. (۱۱) بعضیها آنرا به معنی «پناه» و برخی به مفهوم «دانش و معرفت»، عده‌یی بمعنی

اسم «اوستا» Avesta مانند کلمه «زردشت» در زبان پارسی؛ اشکال و صور گوناگون دارد.
چون: استا (۱)، اویستا (۲)، بستاق (۳)، ابستاق، ابستاغ (۴) ایستا (۵)؛ آبستا (۶)، است (۷)؛ افستا؛ ایستا (۸)، ازهمه معروفتر در فرهنگهای فارسی معاصر «اوستا» است.

- (۱) برهان قاطع در همین واژه (۲) بیان‌الادیان ص ۱۷ (۳) مجمل التواریخ و القصر ص ۱۲
- (۴) برهان‌درواژه ایستا (۵) انجمن آرای ناصری در همین واژه (۶) مجمل‌التواریخ ص ۱۱-۳۲
- (۷) گاتها : ص ۴۶ (۸) ادیان بزرگ جهان ص ۱۳۵ (۹) مروج‌الذهب ج ۲ ص ۱۲۴ التنبیه و الاشراف ص ۸۲ (۱۰) تاریخ طبری ص ۴۰۲-۴۰۳ (۱۱) گوهرهای نهفته : مراد اورنگ تهران ۱۳۴۴

درست باشد آنوقت «اوستا» بعد از «ریک وید» بر
همنان و «تورات» یهودیان، کهنترین کتاب دنیا
است» (۱۳)

مستشرق معروف دهلاندی تیل Tiele می نویسد.
زمان اوستا را پائین تر از هشتصد سال پیش از مسیح
نمی توان قرارداد» (۱۴)

وحتی از حیث تحقیقات لغوی : «تمام قسمتهای
ایسن کتاب دریک زمان نوشته نشده و لااقل درسه
مرحله متوالی آمده است .

«گاتها که مجموعه ای از سرودهای مذهبی
است قسمت اصلی این کتابست و پس از آن قسمتهای
قدیم و سپس قسمتهای جدید فراهم شده است» (۱۵)
بسیاری از دانشمندان و محققان اروپائی از قبیل
«آبیه فرانسواو : Abbe Francois» معتقدند
که : اوستا تا سده ششم و یا هفتم میلادی؛ تا زمان
ساسانیان همچنان سینه به سینه حفظ شده و در آن
زمان به کتابت درآمده و باخط اوستائی که اختراع
همان زمان است کتابت یافته» (۱۶)

بعضی از نویسندگان معتقدند که : «اوستا»
قبلا در زمان هخامنشیان نوشته شده بود ، بعدها
به دست تپاول زمان ودشمنان ، مفشوش شد و از
میان رفت ، اما در زمان ساسانیان اوستای از میان
رفته فراهم گردید . (۱۷)

«متن» و دیگران عقایدی دیگر ، ابراز کرده اند
اما امروزه آن چه که طرفدار زیادی دارد، آنست
که کلمه «اوستا» به معنای اساس و متن اصلی
است . (۱۲)

«اوستا» مجموعه متون مذهبی زردشتیان ، هر
چاکه ذکر شده بالفظ «زند» و «پازنده» ردیف شده
است و باید دانست که «زند» تفسیر است برای
«اوستا» که بزبان پهلوی بدست «زردشت» نوشته
شده و «پازنده» نیز شرحی برای «زند» است
با اصطلاح شرح شرح است که بوسیله خود «زردشت»
نگاشته شده است و بعد از «زردشت» توسط علمای
زردشتی شرح و تفسیری بر شروح «اوستا» نگارش
یافته که آنرا «بارده» می نامند .

«اوستا» کهن ترین نوشته ایرانیان است ،
تمام اختلافات و اشکالات و تضادهای فراوانی که
در باره افسانه «زردشت» موجود است ، همه آنها
به اضافه اشکالات دیگر ، درباره «اوستا» نیز
بچشم می خورد . یکی از موارد مبهم؛ تاریخ نگارش
«اوستا» است که بستگی به تعیین زمان خود «زردشت»
دارد ، اما از آنجا که هنوز هیچیک از مورخان و
دانشمندان و مستشرقان نتوانسته اند زمان «زردشت»
را بدلائل تاریخی قطعی ثابت کنند، لذا تاریخ
و قدمت اوستا نیز نامعلوم مانده است . بقول
بعضیها : «اگر بر فرض تاریخ سنتی ۶۶۰ ق . م

(۱۲) ادیان بزرگ جهان ص ۱۳۵ : هاشم رضی : تهران ۱۳۴۴

(۱۳) و (۱۴) گاتها : پورداد صفحه ۴۵

(۱۵) تاریخ تمدن ایران در عهد ساسانی : سعید نفیسی ص ۵۰

(۱۶ - ۱۷) ادیان بزرگ جهان : هاشم رضی ص ۱۳۷ - ۱۳۸ : ایران در زمان ساسانیان ص ۱۶۲ .

زردشت باستانی صفحه ۱۱۲

از این کتاب «اوستا» را نوشتند، یکی از آنها را هنگامی که اسکندر در قصر «پرسپولیس» آتش افکند سوخت و نسخه دیگر را یونانیان فاتح با خود بیرون بردند و آنرا ترجمه کردند» (۲۱)

و در نامه «تیسر» (هیربدان هرید) شاه طبرستان (مازندران) نیز بدان اشاره شده، آنجایی نویسد: «میدانی که اسکندر کتاب دین ما، دوازده هزار پوست گاو با سخر سوخت»

و نیز در یکی از آثار دینی زردشتیان در باره کتابخانه بر گهای اوستا مطالبی است بدین مضمون: «زندان اوستا که در روه، پوستهای گاو بخط زرد نوشته شده بود در در استخر پایگان بود در دفتر خانه، اهریمن پتیاره شوم، اسکندر بدکنش را بر آن داشت که آنرا بسوزاند» (۲۲)

روی این اصل در روایات اصلی زردشتی از اسکندر، بعنوان «اسکندر ملعون رومی» یاد شده است که بخواهش یک زن پلید سبب کشتار و باعث از بین رفتن کتب مقدس زردشتی و ویرانی تخت جمشید گردید. بدین ترتیب طبق تصریح خود زردشتیان و مورخان در سال ۳۳۰ قبل از میلاد متن اصلی کتاب زردشت از بین رفته و در سال ۲۲۶ بعد از میلاد اردشیر بابکان امر بتدوین آن نموده است یعنی

مؤلف کتاب «ایران در عهد باستان» می نویسد: «کتاب «اوستا» در آغاز امر، پیش از حمله اسکندر کتابی عظیم بوده است پلینیوس: Palinus، مورخ رومی که در قرن اول میلادی می زیست، می نویسد که: «هرمی پوس Hermippos» مورخ یونانی برای شرح عقاید زردشت از کتاب او که در بیست مجلد و حاوی صد هزار بیت بوده، استفاده کرده است، در صورت صحت این مدعا اوستا کتاب بزرگی بوده است» (۱۸)

مورخان اسلامی نیز از عظمت و بزرگی این کتاب یاد کرده و نوشته اند که: «اوستای دوره هخامنشیان بخط زرین بر روی ۱۲۰۰۰ پوست گاو دباغی شده نوشته شده بود» (۱۹)

«مسمودی» مورخ معروف و جمعی دیگر از مورخان اسلامی نقل کرده اند که: «اسکندر» بعد از فتح استخر «تخت جمشید» این کتاب و دیگر آثار دینی زردشتیان را ضمن سوزاندن مراکز مهم و از جمله پایگانی جمشید، بسوزانید بعد از آنکه مطالب علمی آنرا از طب و نجوم و فلسفه یونانی ترجمه کرد و بیونان فرستاد (۲۰).

در روایات دینی زردشتیان نیز باین حقیقت تصریح شده است: «ویشناسب دستور داد تا دونسخه

(۱۸) ایران در عهد باستان ص ۶۷

(۱۹) مروج الذهب ج ۱ ص ۲۲۹ طبری ج ۱ ص ۴۰۳ - کامل ابن اثیر ج ۱ ص ۱۴۶ - فارسنامه:

ابن بلخی ص ۵۰

(۲۰) التنبیه والاشراف: مسمودی صفحه ۸۰

(۲۱) ازپاورقی: تاریخ تمدن ویل دورانت ج ۱ ص ۵۳۹ - زردشت باستانی ص ۱۱۱

(۲۲) مجله هنر و مردم شماره ۷۲ ص ۶۲ - سبک شناسی: بهار ج اول صفحه ۹

آوری اوستای پراکنده پرداختند فقط ۳۴۸ فصل بدست آمد که آنرا هم به ۲۱ نسل تقسیم کردند. (۲۶)

دانشمند انگلیسی «وست» : West « ۲۱

نسل ساسانیان را به ۳۴۵۷۰۰ کلمه تخمین کرده و از این جمله امروز ۸۳۰۰۰ کلمه در اوستای فعلی موجود و بقیه از بین رفته است (۲۷)

کیخسرو «مؤلف» «فروع مزدیسنی» که خود زردشتی است می نویسد : « جای هیچ بحث نیست که در عصر اسکندر در اسطخر فارس کتابخانه بزرگ و معروفی که شامل همه قسم کتب دینی و دنیوی روحانی و جسمانی وجود داشته ، اسکندریا از روی غیظ یا غرض و عناد یا در حال مستی امر بسوزاند آنها کرد. سپس اضافه می کند : پس از آنکه کتابخانه بامر اسکندر سوخته شد دوره ای بیش از ۵۵۰ سال امتداد پذیرفت و در آن مدت تمام اغتشاش و بی سیاستی و بی ترتیبی در امور مملکت داری بوده و بعد از این دوره بامر سلاطین ساسانی رقعات باقی مانده از کتب زردشت هم جمع آمد و صورت کتابی پذیرفت » (۲۸)

«جان ناس» مؤلف «تاریخ جامع ادیان» می نویسد : کتاب زردشتیان اوستاست و آن مجموعه بی

بیش از ۵۵۰ سال زردشتیان کتابی نداشتند، مگر اینکه « بقول پورداد » در سینه فناپذیر پیروان زردشت محفوظ مانده بود !» (۲۳)

از دارمستتر Darmesteter نویسنده کتاب : « Zend Avesta » نقل شده که تمام «اوستا» بعد از تسلط اسکندر به ایران و آتش سوزی او، در فاصله قرن اول تا قرن چهارم میلادی نوشته شده بعدها یکجا گردآوری گردیده است . (۲۴)

«پورداد» در این باره می گوید : « آنچه در سنت زردشتیان و آنچه عموماً در کتب پهلوی مسطور است اینست که اوستای هخامنشیان را اسکندر بسوخت ، بخصوصه مندرجات «دینکرده» راجع به اوستا بسیار مهم است از حیث مطالب سر آمد کتب پهلوی است ؛ صراحتاً می گوید :

اوستائیکه در دست داریم آن کتاب مقدس قدیم نیست تا بان اندازه ای که مؤبدان عهد ساسانی کلام مقدس را در حافظه داشتند همان اندازه جمع آوری شده (۲۵)

صاحب نظران و محققان میگویند : «اوستای هخامنشیان به ۲۱ کتاب منقسم می شد و دارای ۸۱۵ فصل بوده است و در عهد ساسانیان وقتیکه بجمع

(۲۳) گاتها ص ۴۴

(۲۴) کتاب مزبور ج ۳ صفحه ۵ بنقل عقاید و آراء بشری ص ۳۸۸

(۲۵) گاتها : ص ۵۱

۲۶ سبک شناسی : مرحوم ملک الشعرای بهار ج ۱ ص ۹

(۲۷) بنا بنقل پورداد در کتاب گاتها ص ۵۰ - اوستا : جلیل دستخواه در پیشگفتار - ذوالقرنین :

ابوالکلام آزاد

(۲۸) فروع مزدیسنی تألیف کیخسرو و شاهرخ کرمانی

بسته بود از آسیب روزگار محفوظ نماند از نامه
باستان با آنهمه بزرگی که داشت امروز فقط
۸۳ هزار کلمه در اوستای کنونی بیادگار ماند و نه
بخش اصلی و نه بترکیب و ترتیب
دیرین» (۳۰)

باتوجه به آنچه در باب محکمترین و مهمترین
مدارک آئین مزدیسنا Mazdayasna یعنی
کتاب «اوستا» گذشت ، معلوم می شود که چقدر
آئین زردشتی بی پایه و بی اساس و از حقیقت دور
است زیرا : در صورتیکه «اوستا» خود قرارگاهی
ندارد با اینوصف زیربنای تمامی معتقدات و مبانی
زردشتی قرار گرفته است بقول معروف : «خانه
از پای بست ویران است» روی این اصول بحث از
چگونگی عقاید و احکام خرافی این آئین بیهوده
است .

می باشد که کم و بیش از مطالب مختلف که بدون
ارتباط و انصاف باهم آمیخته شده و در حقیقت باقی
مانده از مجموعه بزرگتری از یک ادبیات باستانی و
که سال است که قسمت عمده آن از میان رفته و نابود
شده» (۲۹)

کوتاه سخن آنکه کسانی که «زردشت» را پیغمبر
می دانند حتی یک صفحه از اوستا که سلسله سند آن به
زردشت برسد ، در نزد آنان یافت نمی شود . می-
گویند : اوستا رقعہ رقعہ سطر سطر از کلمات
منسوب بزردهشت جمع آوری شده است و نمی دانند
که اینها چگونه بایکدیگر مربوط می باشند و حتی
بجز «گاتها» بقیه را نمی توان به «زردشت» نسبت
داد .

چنانکه به این حقیقت «پورداد» هم تصریح کرده
می گوید : «اوستا که در سینه فناپذیر پیروان آئین
مزدیسنا و یاروی چرم ستوران و کاغذ سست بنیان نقش

(۲۹) تاریخ جامع ادیان : جان ناس : علی اصغر حکمت ص ۳۰۰

(۰) گاتها ص ۴۴

آتش خشم

الْفَضْبُ يُفْسِدُ الْإِيمَانَ كَمَا يُفْسِدُ الْخَلُّ ، الْعَسَلُ :

خشم ، ایمان را تباه می کند چنانکه سرکه ، طعم شیرین عسل را از

بین می برد .

از سخنان امام صادق (ع)